

## دکتر ظفر دخت اردلان

## نقش زن ایرانی در وحدت و استقلال ملی

گفتار امروز ما نمایشگر نقش دیگری از زن ایرانی خواهد بود، نقشی که تاکنون کمتر بدان توجه شده است، یعنی: **نقش زن ایرانی در وحدت ملی و استقلال ایران.**

بیان ما جنبه‌ی تصور یا تخیل نخواهد داشت، بلکه مبتنی بر تحقیقی است که بر واقعیات تاریخی پایه گذاری شده و در نگاهی که بجزریان تاریخ خواهیم افکند شواهد واقعی چندی را برای تأیید گفتار خود بعاریت میگیریم، ما در این گفتار ثابت خواهیم کرد که زن ایرانی از چند جهت در طول تاریخ ایفاگر این نقش بوده است:

۱- بسبب مقام زن در خانواده‌ی ایرانی که پیوسته پایه و اساس آن بشمار آمده است در بسیاری از مواقع وجود زن بسبب وضع اجتماعی و نسب، باعث بقا و ثبات کشور و دوام بسیاری از مقامات و مشاغل از جمله پادشاهی و فرمانروایی بوده است، زیرا چنانکه میدانیم مقام فرزندان و پذیرش آن از طرف مردم نه فقط بوجود پدر وابسته بوده بلکه مقام و وضع اجتماعی مادر نقش اساسی تری را بازی کرده است. مثلاً در مورد پادشاهان و فرمانروایان، مردم این حق را از حقوق قانونی فرزندی میدانستند که مادر او مقام و حیثیت بالاتری را دارا بوده است. این اصل آنچنان در فرهنگ ما ریشه دار است که هنوز هم وضع اجتماعی فرزند باعلا درجه وابسته بوضع اجتماعی و نسب مادر میباشد. در ایالات ما فرزندی حق جانشینی پدر را در طبقه رؤسا دارد که مادر او از طبقه‌ی رؤسا باشد.

ما برای اثبات این امر شواهدی را از تاریخ ذکر میکنیم: الف - چنانکه میدانیم قوم ماد و پارس که هر دو از نژاد آریا بودند در دورانهای گذشته ایران در دو سرزمین حکومت میکردند. هنگامی که کوروش بزرگ خواست که از این دو قوم یک ملت واحد تشکیل دهد فقط جنگ آوری او نبود که موفقیت را در این امر تضمین کرد، بلکه اتحاد این دو قوم عامل مهم دیگری هم داشت و آن این بود که کوروش پسر ماندانا یگانه دختر وارث پادشاه ماد بود. قوم ماد حکومت کوروش را از این جهت که پسر ماندانا بود با جان و دل پذیرفتند و وحدت ملی بوجود آمد و دوام یافت.

ب - موفقیت بابک پسر ساسان، بیشتر از وضع پدر بسبب مقام خانواده‌ی مادریش بود.

ج - داریوش بزرگ از زن اول خود سه پسر و از زن دوم خود که دختر کوروش بود چهار پسر داشت که ارشد فرزندان دختر کوروش خشایارشا بود که سرانجام در اثر موقعیت اجتماعی و نسب مادر، هم او بود که جانشین داریوش شد.

د - اردشیر هنگامی که بقدرت رسید برای اینکه فرزندان از نظر مردم شایستگی شاهنشاهی ایران را داشته باشد با دختر اردوان ازدواج کرد. حاصل این

ازدواج شاهپور بود که مردم او را بحق پادشاه ایران دانستند.

۲- زن ایرانی همانطوری که گفتیم رکن اساسی خانواده و درجه‌ی فداکاری او در این نهاد اجتماعی که بمنزله‌ی هسته‌ی اصلی جامعه بشمار میرود بیرون از وصف است، یعنی او پیوسته مادری فداکار و شایسته برای فرزندان، زنی فداکار برای شوهر، دختری مطیع و سربراه و علاقمند به پدر و مادر و عضوی از خود گذشته برای خانواده‌ی خود بوده است. اما زن ایرانی پیوسته مصالح کشور و میهن خود را بالاتر از مصالح شخصی و خانوادگی و عزیزان خود دانسته است. درجه‌ی عشق و علاقه او بکشور بالاتر و برتر از علاقه بفرزند، شوهر، پدر و مادر و خانواده بوده است. یعنی هر جا که مصالح عالی‌ی میهن عزیز ما ایران بمیان آمده است و اوضاع و احوال ایجاب کرده زن ایرانی مصالح و منافع خود، فرزند، شوهر، پدر و مادر و خانواده خود را زیر پا گذارده بی تردید و با کمال شهامت وظیفه میهنی خود را با بهترین وجهی بانجام رسانیده است. ما برای اثبات این تز هم موادی چند از واقعیات تاریخی بعاریت میگیریم:

الف - در زمان پادشاهی هخامنشیان چنانچه میدانیم پس از کوروش بزرگ پسر بزرگش کمبوجیه جانشین او شد و پسر دیگرش بردیا که حاکم قسمتی از قلمرو شد بعللی که از بحث ما خارج است به قتل رسید و جز چند نفر انگشت شمار از این قتل خبر نداشتند. کمبوجیه شاه ایران در بازگشت از سفر مصر درگذشت. گوماتا نامی، که شباهت زیادی که شباهت زیادی به بردیا شاهزاده‌ی مقتول داشت خود را شاه خواند. چون دستگاه و مردم از قتل بردیای واقعی خبر نداشتند پادشاهی او را بحق دانستند و حکومت او را پذیرا شدند، ولی عده‌ای که بوضع ظنین بودند در صدد برآمدند که واقیعت قضیه را کشف کنند. یکی از نجیب زادگان که دخترش زن گوماتای غاصب بود از دخترش خواست شبانگاه که گوماتا بخوابگاه او می‌آید درست دقت کند که آیا گوش او بریده است یا خیر، زیرا گوماتا گوشش بریده بود و شاهزاده‌ی واقعی چنین نقصی نداشت. زن جوان هنگامی که مصالح عالی‌ی میهن را در خطر دید و دریافت که شوهر او شاهنشاه ایران نیست بلکه خائنی است که تخت شاهی را غصب کرده است جان و منافع خود را در خطر انداخت و راز گوماتای غاصب را کشف و افشاء نمود.

ب - زن جوان داریوش سوم با پسر و دخترش و مادر داریوش پس از فتح ایران به اسارت اسکندر در آمدند با اینکه مرتباً از داریوش شاهنشاه ایران نامه دریافت میداشت و از محل او آگاه بود و بارها به او پیشنهاد

هرگز اینکار را نکرد. زن داریوش مدتی کمتر از یکسال در اسارت بسر برد و جان سپرد.

البته لازم بتذکر است که ایرانیان دیگری هم که بمکان داریوش واقف بودند، مثلاً همان بیکی که نامه را میآورد، هرگز بر خلاف مصالح کشور اقدام نکردند و اقامتگاه داریوش را فاش نمودند. مورخان خارجی که نقل کننده ی این اخبار هستند می نویسند: «**هرگز ایرانی واقعی بر علیه شاهنشاه ایران اقدامی نخواهد کرد؛ این رسمی است که همه ی ایرانیان برعایت آن پایبند هستند؛ بسبب همین سنت محکم و استوار بود که اسکندر نتوانست اقامتگاه داریوش را بوسیله ی ایرانیانی که از او خبر داشتند دریابد.**»

ج - خوارزمشاه پس از شهادتها و رشادتها که در مقابل سیل خانمان برانداز دشمن از خود نشان داد سرانجام شکستش قطعی شد. برای اینکه زنان و فرزندان بدست دشمن اسیر نشوند مصمم شد که آنان را به امواج رود سند سپارد. زنان این فرمان شاه را با دل و جان پذیرفتند و بیدرنگ بدنال فرزندان، خود را به رود افکندند. یکی از شعرای معاصر این حماسه را به شعر در آورده که در مسابقه ای که برای شعرهای میهنی گذاشته شده بود این شعر برنده شد.

ما چند خط از آن را در اینجا نقل میکنیم:

**زنان، چون کودکان در آب دیدند**

**چو موی خویشتن در تاب رفتند**

**و زان درد گران، بی گفته ی شاه**

**چو ماهی در دهان آب رفتند**

**بپاس هر وجب خاکی از این ملک**

**چه بسیار است آن سرها که رفته**

**ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک**

**خدا داند چه افسرها که رفته**

۳ - تدبیر و دوراندیشی زن ایرانی در بسیاری از مواقع بطرز شگفت انگیزی وحدت ملی و آب و خاک ما را حفظ کرده است، یعنی آنجا که شمشیر مردان از کار افتاده تدبیر زن ایرانی بمیان آمده و مشکل گشای مسایل بوده است و دوام و بقای کشور را تضمین کرده است:

الف - ترکان خاتون همسر سلطان ملکشاه، هنگامی که شوهرش در نیمه ی شوال ۴۸۵ فوت شد بسبب اختلافی که بین پسرانش بر سر جانشینی بود و در نتیجه بیم از هم پاشیدگی ایران و جنگ داخلی میرفت مرگ سلطان را مخفی داشت و برای جلب موافقت سرداران و امرا با حکمفرمایی محمود پسر دوم سلطان که شایستگی سلطنت را داشت این زن هوشمند راهی بغداد شد و بروایتی نعش ملک شاه را هم طوری با خود حمل میکرد که کسی پی نبرد. پس از آنکه همه

را با فرمانروایی پسر دوم سلطان موافق ساخت و بیم دودستگی از بین رفت مرگ ملکشاه را علنی ساخت.

ب - هنگامیکه ملک خاتون همسر فخرالدوله پس از مرگ شوهرش زمام امور را بدست داشت سلطان محمود غزنوی در دنباله ی فتوحات خود به او پیام داد که سرزمین خود را به او واگذار و سکه بنام او زند. کمتر زمامداری بود که در آن هنگام یاری مخالفت با سلطان محمود را داشته باشد. ملک خاتون که زنی با تدبیر بود فکری بخاطرش رسید و پاسخی بدین مضمون برای سلطان محمود فرستاد: «**اگر سلطان بخواهد با جنگ این سرزمین را از من بگیرد یا فاتح میشود یا شکست میخورد. اگر فاتح شود بر کشوری فاتح شده که فرمانروای آن زنی بوده و در نتیجه زنی را مغلوب کرده است. اگر در مقابل بیوه زنی شکست بخورد تا تاریخ وجود دارد ننگ این شکست دامنگیر غزنویان خواهد بود.**»

این پاسخ از زنی ایرانی، مصمم و با تدبیر سلطان محمود را مردد و سرانجام منصرف ساخت و تا این زن در حیات بود فکر اشغال سرزمینش بخاطر سلطان محمود راه نیافت.

۴ - زن ایرانی پیوسته در تحریک حس میهن خواهی و شهادوستی و علاقه به آب و خاک ایران و در نتیجه حفظ و دوام یا احیای استقلال کشور نقش مهمی بعهده داشته است و بسبب مقام مهمی که در خانواده داشته و در قسمتهای قبل هم باین موقعیت و حیثیت و مقام اشاره کرده ایم بخوبی از عهده ی این وظیفه خطیر برآمده است.

الف - نقش گردآفرید در پاسداری از دژ سفید و تحریض و تشویق مردان به دلاوری خود داستانی دارد که همه از آن آگاهییم. فردوسی در این باره چه خوش گوید.

**زنی بود برسان گردی سوار**

**همیشه به جنگ اندرون نامدار**

**نهان کرد گیسو بزیر زره**

**بزد بر سر ترک رومی گره**

**فرود آمد از دژ بگردار شیر**

**کمر بر میان، باد پایی بزیر**

**به پیش سپاه اندر آمد چو گرد**

**چو رعد خروشان یکی ویله کرد**

**که گردان کدآمد و سالار کیست**

**ز رزم آوران جنگ را یار کیست**

ب - اسکندر هنگامیکه بر ایران مسلط شد در واقع به آرزوی دیرینه خود رسید و رویاهایش جامه ی عمل پوشید. میخواست به آرزوی محال دیگری هم دست یابد و آن بود که ایران پیوسته جزء قلمرو یونان باشد. برای رسیدن به این هدف از هیچ کاری فروگذار نکرد، حتی با ارسطو فیلسوف و دانشمند یونانی که معلم او

بود مشورت کرد، بروایتی به او پیشنهاد شد برای اینکه وحدت ملی ایران را یکباره و برای همیشه درهم شکنند به دو کار اساسی دست زند:

- ایران را به ایالات متعددی قسمت کند و بر هر قسمت سرداری یونانی بگمارد.

- برای هر یک از سرداران زن ایرانی بگیرد.

اسکندر به توصیه ی استادان خود عمل کرد و بروایتی ایران را به شصت قسمت نمود و به هر قسمت سرداری گمارد و نه فقط برای سرداران یونانی زن ایرانی گرفته بلکه خود او هم دختر داریوش سوم را که **استاتیرا**، نامیده میشد بزوجیت در آورد و **اپاما**، دختر **اسپیتامن** را برای سلوکوس گرفت. ولی نوعروسان ایرانی باعث شدند که نقشه شوم اسکندر جامه ی عمل بخود نپوشد. همانطوری که آرزوی دیگر او که رسیدن به آب حیات بود تحقق نیافت. از آن پس بجای اینکه از یک مرکز آواز ایران خواهی برخیزد از شصت نقطه این نوای دل انگیز طنین افکند و **بجای اینکه ایرانیان یونانی شوند یونانیان به آداب و رسوم و سنن ما گردن نهاند.**

ج - مثال آخر را از دوران معاصر می زنیم. هنگامیکه منشور انقلاب سفید به رای عمومی گذارده شد زن ایرانی به این کار دعوت نشده بود، ولی زن ایرانی آگاه بود که اکنون لحظه ی دیگری فرا رسیده است که او به ایفای نقش همیشگی خود که کمک و یاری به وحدت ملی و یک پارچگی ملت است دست بزند. زنان در میدانها جمع شدند. خودشان صندوق ساختند و با نظم و ترتیبی بی نظیر به منشور انقلاب شاه و ملت رای دادند. این عمل آنچنان چشمگیر بود که موجب اعجاب جهانیان شد.

د - ایلات و عشایر ما که پیوسته مردان و زنان غیورش مرزهای ما را در طول تاریخ پاسداری کرده اند آداب و رسوم زیبایی دارند که من خود آن را مشاهده کرده ام:

«**هنگامیکه ایل بخواد با دشمن کشور و میهن بجنگ و ستیز بپردازد سنگرها میسازند. مردان به سنگر میروند. پیرزنان و مردان از کار افتاده در چادرها برتق و فتق امور میپردازند. سایر زنان لباسهای رنگین خود را می پوشند و در پشت سنگرها میمانند. با هر تیری که به سنگر آنان میرسد نواهای خاصی را که در هنگام عروسی معمول است سر میدهند. این نوا را در فارس **کل** میگویند و در ایلات دیگر بنابر لهجه های محلی نامهای دیگر دارد. این کار بدان جهت است که نخست شهادت در راه میهن را**

افتخاری بزرگ میدانند. ثانیاً با این نوا مانع میشوند که مردان دیگر صدای ناله احتمالی فرد تیر خورده را بشنوند و روحیه شان تضعیف شود. هر فردی که تیر خورد بی درنگ بوسیله ی زنان به عقب جبهه کشیده میشود بطوری که تا خاتمه جنگ مردان جنگی از عده ی واقعی کشته شدگان و زخمی ها آگاه نمی شوند و با روحیه قوی وظیفه ملی و میهنی خود را انجام میدهند.

۵ - زن ایرانی از هر اسلحه ای برای نجات آب و خاک خود استفاده کرده است. در خاتمه برای رفع خستگی باید بگویم حتی از زیبایی خود در این راه کمک خواسته است. معروف است یکبار تبریز بوسیله دشمن به محاصره درآمد. حاکم شهر که از نیروی نظامی اندک خود در مقابل دشمن آگاه بود و مقابله را بی نتیجه میدانست فرار کرد، ولی زن او در شهر ماند و تدبیری اندیشید که شاید از تنها سلاحی که برای او باقی مانده استفاده کند. به بالای قلعه رفت و از سردار دشمن خواست که با او سخن گوید. در این هنگام روی خود را به او نشان داد تا شاید زیبایی او موثر افتد. تیر او به هدف خورد و سردار دشمن در مقابل قول ازدواجی که از او گرفت از تصرف و خراب کردن شهر دست برداشت.

#### منابع و ماخذ :

- ۱ - ریاحین الشریعه - جلد اول تا پنجم - شیخ ذبیح محلاتی - دارالکتب اسلامیة.
- ۲ - خیرات حسان - محمد افندی - ترجمه ی اعتمادالسلطنه
- ۳ - از رابع تا پروین - کشاورز صدر - چاپ کاویان.
- ۴ - ایران در زمان ساسانیان - پرفسور کریستن سن - ترجمه ی رشید یاسمی - شرکت سهامی رنگین تهران - مهرماه ۱۳۱۷.
- ۵ - تاریخ ایران - ژنرال سرپرسی سایکس - ترجمه ی محمد تقی فخرداعی گیلانی - چاپخانه ی تهران مصور - جلد اول ۱۳۳۵.
- ۶ - ایران باستان - حسن پیرنیا - جلد اول و دوم.
- ۷ - از عرب تا دیالمه - عباس پرویز - کتابفروشی و چاپخانه ی علی اکبر علمی - تهران ۱۳۳۸.
- ۸ - قدرت و مقام زن در ادوار تاریخ - غلامرضا انصافیور - شرکت نسبی کانون کتاب - تهران ۱۳۴۶.
- ۹ - زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید - بدرالملک بامداد - ابن سینا - تهران ۱۳۴۷.
- ۱۰ - زن در ایران باستان - جمعیت زنان دانشگاهی - شرکت سهامی افست - تهران ۱۳۴۶.

پانوشتها از مقاله ی " زن در ایران باستان "

- ۱۱ - پورداد ، یشتها - فروردین یشت ، کرده ۳۰ و ۳۱.
- ۱۲ - این سه تن عبارتند از خرداد و امرداد و سپندامز .
- ۱۳ - این گل خوشبو که قبل از سایر گلها میروید معمولاً اول اسفند که جشن سپندامز است باز میشود.
- ۱۴ - برای مطالعه بیشتر در مورد گردیه به کتاب زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمد علی اسلامی ندوشن مراجعه شود. ( رویه ۴۰۵ - ۴۳۳ )
- ۱۵ - فرناسپس پدر کاساندان از دودمان هخامنشی است.
- ۱۶ - آتوسا دختر کوروش بزرگ است.
- ۱۷ - داریوش در نقش رستم از اهورامزدا خدای بزرگ که به او دانش و خرد اعطا کرده سپاسگزاری مینماید.
- ۱۸ - دیودور و کنت کورس بارها در نوشته های خود زندگی و شرافت شاهزاده خانمهای هخامنشی را ستوده اند. در اینمورد مراجعه شود به تاریخ ایران باستان ، تألیف مشیرالدوله ، رویه ی ۱۳۱۹ .
- ۱۹ - بر سکه ی ملکه موزا این عنوان نوشته شده است.
- ۲۰ - این مجسمه در موزه ایران باستان است.
- ۲۱ - این نقاشی مربوط به قرن اول میلادی است.
- ۲۲ - نسا اولین پایتخت اشکانی در نزدیکی عشق آباد کنونی است.

#### مقاله ی " کابوس مرگ "

ادامه از رویه

«ایرانیان بر اثر وسعت کشور و تسلط بر همه ی اقوام و ملل از حیث عظمت و قدرت ، به منزلتی بودند که خود را آزادگان و دیگران را بندگان میخواندند ، وقتی که دولتشان بدست عربان سپری گشت چون عرب را پست ترین مردم میشمردند کار برایشان سخت گشت و درد و اندوه آن ها دوچندان که میبایست گردید از این رو بارها سر برآوردند که مگر با جنگ و ستیز خویشان را از چنگ اسلام رهایی بخشند.» بدینگونه بیشتر این شورشها رنگ ضد دینی داشت. در طبرستان بسال ۱۴۱ یکبار سپهبد خورشید حکم کرد که همه ی اعراب را و حتی همه ایرانیانی را که بدین اعراب درآمدند بکشند. شورش سختی برضد عرب روی داد که عربان آنرا با خشونت و قساوت فرو نشانند. اسپهبد خورشید نیز که خود را مغلوب می دید زهر از نگین انگشتری برمکید و درگذشت. این همه قساوت و خشونت که اعراب در دفع شورشها نشان می دادند ایرانیان را از ادامه ی پیکار باز نمیداشت. زجر و قتل و زندان و تبعید فقط اراده ی آنها را قوی تر و عزمشان را راسخ تر میکرد. حتی خروج و قیامی که ترکان و تازیان بر ضد دستگاه خلافت میکردند مورد تشویق و حمایت ایرانیان قرار میگرفت. وقتی یوسف ابن ابراهیم معروف به برم که از موالی ثقیف بود در بخارا قیام کرد در میان مردم خراسان یاران و همراهان بسیار یافت و سعد و فرغانه را نیز دچار شورش و آشوب نمود.